تازه‌های اقتصاد

شنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۵
۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۴ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۶۳

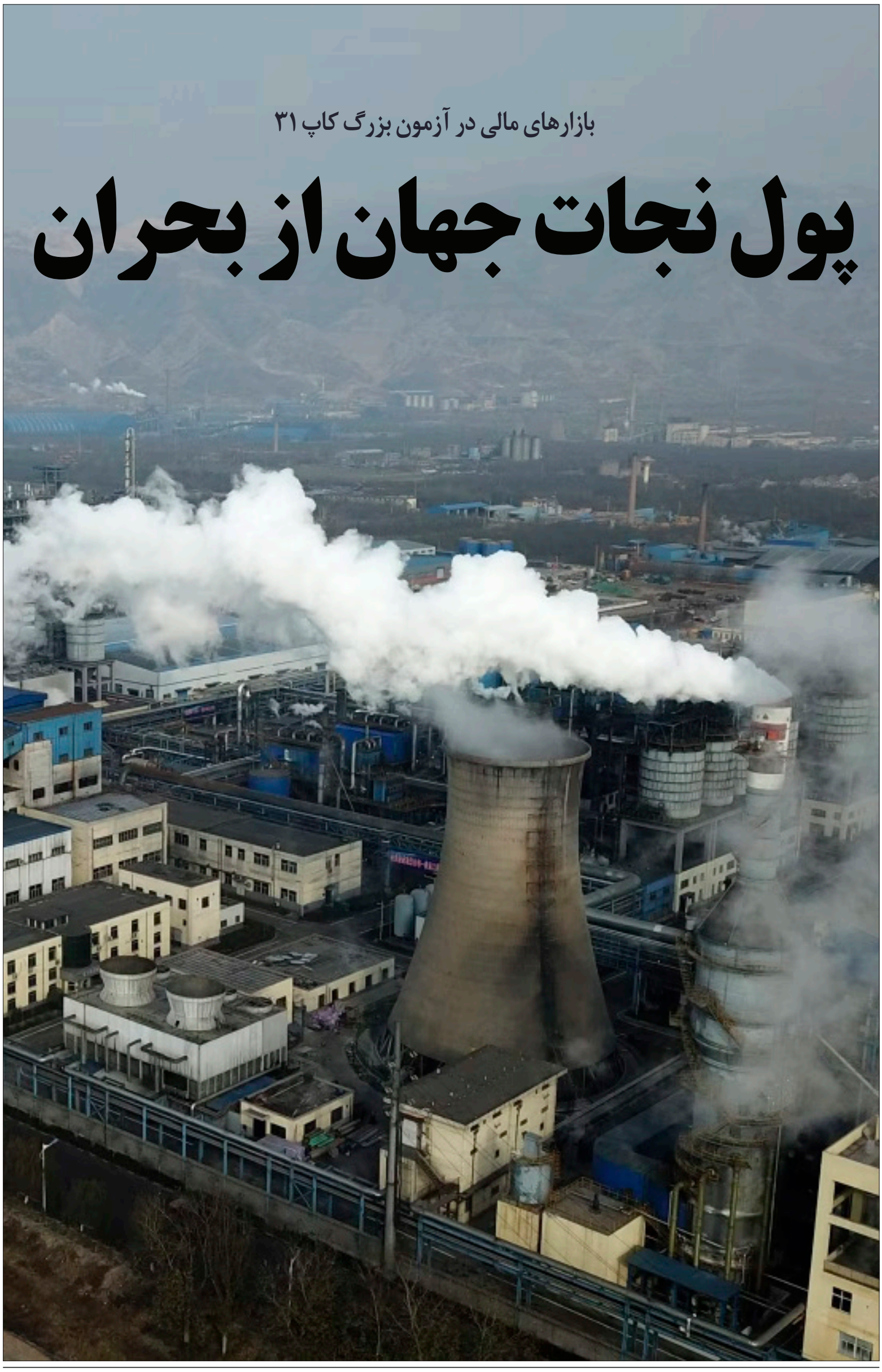


استاد دانشگاه اتاوا در گفت‌گو با تازه های اقتصاد

کلید مهار تورم در خزانه دولت

بازارهای مالی در آزمون بزرگ کاپ ۳۱

پول نجات جهان از بحران



در پنجمین روز اجلاس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP۳۱)، موضوعی در مرکز گفت‌وگوها قرار گرفت که شاید بیش از هر موضوع دیگری سرنوشت تعهدات اقلیمی را تعیین کند: «پول».

جهان برای گذار به انرژی پاک، سازگاری با تغییرات اقلیمی، بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌پذیر و کاهش خسارت‌های ناشی از خشکسالی، سیل و موج‌های گرما به منابع مالی عظیمی نیاز دارد؛ اما پرسش اصلی این است که این منابع از کجا تأمین می‌شوند، چه کسانی باید هزینه آن را بپردازند و چه سازوکاری تضمین می‌کند که سرمایه به مقصد درست برسد؟

عنوان روز پنجم کاپ ۳۱، «مالیه و تجارت» بود، عنوانی که نشان می‌دهد مسئله اقلیم دیگر صرفاً در قلمرو محیط‌زیست و مذاکرات سیاسی باقی نمانده است. بانک‌ها، بازارهای سرمایه، بیمه‌گران، نهادهای توسعه‌ای و نظام تجارت جهانی، همگی به بازیگران تعیین‌کننده آینده اقلیم تبدیل شده‌اند. در واقع، اگر روزهای پیشین اجلاس بیشتر درباره ابعاد بحران و راه‌حل‌های فنی سخن می‌گفتند، روز پنجم این پرسش را پیش کشید که چه کسی منابع اجرای این راه‌حل‌ها را فراهم می‌کند؟

فاصله میان وعده و پول واقعی

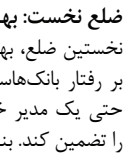
یکی از مهم‌ترین محورهای روز پنجم، هفتمین گفت‌وگوی وزارتی سطح سران تأمین مالی اقلیم بود. سایمون استیل، دبیر اجرایی کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل، در این نشست بر یک واقعیت مهم انگشت گذاشت: بسیاری از کشورهای درحال‌توسعه در چرخه‌ای از بدهی، بلایای اقلیمی و هزینه بالای تأمین سرمایه گرفتار شده‌اند. کشورهایی که بیش از دیگران در معرض سیل، خشکسالی و طوفان قرار دارند، اغلب برای تأمین مالی پروژه‌های سازگاری نیز باید هزینه بیشتری بپردازند؛ زیرا ریسک بالاتر، نرخ تأمین مالی را افزایش می‌دهد.

این مسئله را باید فراتر از یک مشکل مالی یا بانکی دید. وقتی یک کشور پس از سیل یا خشکسالی ناچار است منابع بیشتری را صرف بازسازی کند، درآمد عمومی آن کاهش می‌یابد و بدهی‌اش افزایش پیدا می‌کند.

ادامه در صفحه۲

یادداشت

سه ضلع اصلاح نظام بانکی



ناصر الهی
استاد دانشگاه مفید

نظام بانکی ایران امروز با ضرورت‌هایی برای بهبود عملکرد، افزایش تاب‌آوری و تقویت کارکرد اصلی بانک‌ها، یعنی واسطه‌گری مالی، مواجه است. بانک باید منابع را جمع‌آوری و به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی هدایت کند؛ بنابراین هرچه این نقش با سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی مستقیم متوازن‌تر شود، زمینه برای کارایی و ثبات بیشتر فراهم خواهد شد.

یکی از موضوعات مهم در این زمینه، عدم تقارن اطلاعاتی است. هنگامی که بانک هم‌زمان نقش واسطه مالی و بازیگر مستقیم بازار را بر عهده می‌گیرد، مرز میان نقش‌ها نیازمند شفافیت و تنظیم دقیق‌تری است تا زمینه برای کژگزینی، مخاطرات اخلاقی و دیگر اشکال شکست بازار کاهش یابد. بنابراین، بهبود عملکرد نظام بانکی را نباید صرفاً به عملکرد موردی یک بانک یا مدیر نسبت داد؛ بخش مهمی از آن به قواعد و ساختارهای نهادی مرتبط است. هرچند که در نهایت عملکرد و صداقت مدیران نیز در پیشبرد امور تاثیری بسزا دارد.

از این منظر، می‌توان از نگاه جیمز بوکانان و سنت اقتصاد قانون اساسی بهره گرفت.

مسئله اصلی در ارتقای نظام بانکی این نیست که چگونه مدیران را به افرادی بی‌خطا و کاملاً اخلاق‌مدار تبدیل کنیم؛ بلکه باید قواعد بازی را به گونه‌ای طراحی کرد که حتی اگر کنشگر دچار خطا شد یا منافع شخصی خود را دنبال کرد، امکان آسیب گسترده به منافع عمومی محدود شود. در نتیجه، ارتقای نظام بانکی در قالب سه ضلع مکمل در مقاله‌ای تحت عنوان «تقابل با رمانتیسم نهادی، طراحی قواعد بازدارنده در نظام بانکی ایران» مورد بررسی قرار گرفت که چکیده‌ای از محتوای آن مرقوم شده است.

ضلع نخست: بهبود قواعد بازی

نخستین ضلع، بهبود قواعد و ساختار انگیزشی حاکم بر رفتار بانک‌هاست. اگر قواعد بازی کارآمد نباشند، حتی یک مدیر خوشنام نیز نمی‌تواند نتیجه مطلوب را تضمین کند. بنابراین، به جای تمرکز صرف بر اینکه «چه کسی» مدیر بانک است، باید پرسید چه قواعدی بر رفتار او حاکم است و این قواعد چه انگیزه‌هایی ایجاد می‌کنند. بر همین اساس، نرخ‌های تکلیفی و دستوری، تضمین‌های نامحدود سپرده و آزادی گسترده بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری مستقیم، به‌ویژه در بازار املاک، از جمله قواعدی هستند که می‌توانند مورد بازنگری و بهینه‌سازی قرار گیرند. نرخ‌گذاری دستوری ممکن است تخصیص منابع را محدود کند و بر توازن مالی بانک‌ها اثر بگذارد. همچنین، تضمین نامحدود سپرده‌ها موجب می‌شود هم بانک و هم سپرده‌گذار انگیزه کمتری برای توجه به ریسک داشته باشند؛ زیرا در نهایت انتظار می‌رود هزینه بحران از طریق منابع عمومی و حتی چاپ پول به کل جامعه منتقل شود. بنابراین، بهبود قواعد باید به‌گونه‌ای باشد که رفتار پرریسک هزینه واقعی‌تری داشته باشد و فعالیت مولد جذاب‌تر شود. در چنین چارچوبی، هدف اصلاح، تغییر افراد نیست؛ بلکه بهبود ساختاری است که رفتار افراد را شکل می‌دهد.

ضلع دوم: سلامت مالی

ضلع دوم ارتقا، به سلامت مالی بانک‌ها و به‌ویژه کفایت سرمایه مربوط است. حتی اگر همه استانداردهای بین‌المللی را نپذیریم، نمی‌توان معیارهایی مانند کفایت سرمایه را نادیده گرفت. کفایت سرمایه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش توان بانک برای تحمل زیان و یکی از پایه‌های ثبات نظام بانکی است. بر اساس معیارهای مورد استفاده در این مقاله، حداقل کفایت سرمایه در چارچوب استانداردهای بازل ۳ حدود ۱۰.۵ درصد در نظر گرفته می‌شود، در حالی که نسبت‌های مورد اشاره برای اقتصاد ایران حدود ۳.۲ درصد است. این فاصله نشان می‌دهد نظام بانکی کشور با ظرفیت قابل توجهی برای تقویت سلامت مالی مواجه است. مدل‌سازی انجام‌شده با استفاده از مدل‌های عامل‌بنیان نیز امکان بررسی پیامدهای ادامه این وضعیت و مقایسه سناریوهای مختلف ارتقا را فراهم کرده است. در سناریوی تداوم وضعیت موجود، از میان ۲۹ بانک مورد بررسی، ۲۳ بانک در نهایت ورشکسته می‌شوند. در افق ۱۵ ساله، نسبت کفایت سرمایه می‌تواند به حدود منفی ۱۷.۴ درصد برسد و زیان کل انباشته به حدود ۴۸۷ هزار میلیارد تومان افزایش یابد. در مقابل، در سناریویی که بهبود قواعد، اجرای استانداردهای سلامت مالی و نظارت توزیع‌شده هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود، زیان انباشته می‌تواند از حدود ۴۸۷ همت به حدود ۳۱ همت کاهش یابد و تعداد بانک‌های ورشکسته از ۲۳ بانک به دو بانک برسد.

ادامه در صفحه۲

خبر

درباره تصمیمات نهایی‌نشده بنزینی اظهارنظر نکنید

محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور در جلسه تعیین سیاست‌های کلان گندم برای سال ۱۴۰۶ تأکید کرد: مواضع و تصمیمات رسمی از طریق خانم مهاجرانی، سخنگوی دولت، در نشست‌های رسانه‌ای اعلام می‌شود. وی با اشاره به حساسیت موضوع بنزین و فرآورده‌های نفتی و انتظار مردم برای اطلاع‌رسانی دقیق درباره تصمیمات این حوزه، اظهار کرد: تصمیمات دولت درباره بنزین و فرآورده‌های نفتی از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی اعلام می‌شود. عارف با تأکید بر ضرورت خودداری مسئولان از اظهارنظر درباره موضوعاتی که هنوز مراحل تصمیم‌گیری نهایی را طی نکرده‌اند، گفت: گاهی در حاشیه برخی جلسات، مسائلی مطرح می‌شود که الزاماً راهبرد و تصمیم دولت نیست. وی خطاب به همکاران خود در دولت تأکید کرد: تقاضای من از همکاران در دولت این است که حتی وقتی دولت در آستانه اتخاذ تصمیمی قرار دارد، اما هنوز آن تصمیم نهایی نشده است، درباره آن صحبت نکنند. معاون اول رئیس‌جمهور افزود: تا پیش از تصمیم‌گیری نهایی، ممکن است تصمیمات کارگروه‌ها یا کمیته‌ها اصلاح شوند یا تغییر کنند؛ بنابراین نباید موضوعاتی را که هنوز قطعی نشده‌اند، به‌عنوان تصمیم رسمی دولت مطرح کرد. مرجع اعلام تصمیمات بنزینی، سخنگوی دولت و مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش است. عارف با تأکید بر لزوم اطلاع‌رسانی دقیق و هماهنگ درباره موضوعات حساس اقتصادی، تصریح کرد: پس از نهایی شدن تصمیمات دولت درباره مسائلی مانند بنزین و فرآورده‌های نفتی، اطلاع‌رسانی از طریق سخنگوی دولت یا مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی انجام می‌شود.

سه ضلع اصلاح نظام بانکی

ادامه یادداشت پیام این مقایسه روشن است: ثبات و سلامت بانکی دست‌یافتنی است، اما بهبود قواعد و تقویت سلامت مالی ضروری است.

ضلع سوم: نظارت و پاسخ‌گویی توزیع‌شده

ضلع سوم، ایجاد نظام نظارت و پاسخ‌گویی فراگیر و توزیع‌شده است. نظارت بر شبکه‌ای پیچیده مانند نظام بانکی نمی‌تواند صرفاً به یک نهاد یا یک مقام وابسته باشد. همه کنشگران باید امکان بیان دیدگاه، نقد و هشدار داشته باشند و افرادی که مسائل را به شکل علمی و تخصصی بررسی می‌کنند بتوانند یافته‌های خود را مطرح و در معرض ارزیابی قرار دهند. منطق این رویکرد آن است که در یک نظام پیچیده، تمرکز کامل نظارت در یک نقطه می‌تواند خود به منشأ خطا تبدیل شود. هرچه مسئولیت نظارت میان نهادها و کنشگران بیشتری توزیع شود، امکان شناسایی زودهنگام خطاها افزایش می‌یابد و احتمال آنکه یک خطای محدود به مسئله‌ای گسترده تبدیل شود، کاهش پیدا می‌کند.

بانک آینده؛ نمونه‌ای برای فهم یک موضوع گسترده‌تر

در این میان، بانک آینده را می‌توان نمونه‌ای برای فهم موضوع گسترده‌تر نظام بانکی دانست. آنچه در یک بانک رخ می‌دهد، اگر صرفاً به عملکرد یک فرد یا مدیر نسبت داده شود، ممکن است با تغییر آن فرد خاتمه‌یافته تلقی شود. اما اگر ریشه موضوع در قواعد و ساختارهای انگیزشی باشد، همان مسیر می‌تواند در بانک‌های دیگر نیز تکرار شود. از این منظر، تجربه یک بانک می‌تواند نشانه‌ای برای بررسی دقیق‌تر عملکرد کل نظام باشد. اگر موضوعی ناشی از قواعد باشد، باید قواعد را بهبود داد؛ تغییر افراد به تنهایی کافی نیست.

ارتقا ضروری است، نه انتخابی

بر مبنای این سه ضلع، چند اقدام سیاستی اهمیت ویژه دارد: نخست، کاهش و اصلاح نرخ‌های تکلیفی و دستوری؛ دوم، اجرای واقعی و الزام‌آور استانداردهای کفایت سرمایه؛ سوم، ایجاد نظام نظارت سیستمی، توزیع‌شده و پاسخ‌گو؛ و چهارم، بازنگری در تضمین سپرده‌ها و تنظیم سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها، به‌ویژه در بازار املاک. در نهایت، مهم‌ترین اصل ارتقای نظام بانکی را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: قواعد را باید به گونه‌ای طراحی کرد که برای درست کار کردن نظام، به مدیر قدیس نیاز نداشته باشیم. جامعه سالم جامعه‌ای نیست که در آن همه مدیران و کنشگران الزاماً انسان‌هایی بی‌خطا باشند؛ جامعه سالم جامعه‌ای است که حتی اگر فردی خطا کرد یا منافع شخصی خود را دنبال کرد، ساختار نهادی اجازه ندهد این رفتار به مسئله‌ای عمومی تبدیل شود. از این منظر، مسئله امروز نظام بانکی ایران بیش از آنکه پیدا کردن «مدیر خوب» باشد، پیدا کردن و بهبود قواعد ناکارآمد است. اگر قواعد اصلاح شوند، حتی کنشگران معمولی نیز می‌توانند در چارچوبی سالم عمل کنند؛ اما اگر قواعد اصلاح نشوند، حتی بهترین مدیران نیز در برابر ساختارهای معیوب دست بالا را نخواهند داشت. ارتقای نظام بانکی، بنابراین، نه یک پروژه تزئینی و کوتاه‌مدت، بلکه ضرورتی برای تقویت ثبات مالی، افزایش کارایی و حمایت از آینده اقتصاد ایران است.

دولت مقابله با زیرمیزی، رشوه و فرار مالیاتی را تشدید می‌کند

هشدار پزشکیان درباره گلوگاه‌های فساد



گزارش

امروز شنبه ۲۳ آبان ماه؛ مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور در دو نشست اقتصادی با تأکید بر ضرورت اصلاح شیوه تخصیص منابع عمومی، مقابله با فساد و افزایش بهره‌وری، از لزوم بازنگری در نظام حمایت‌های دولتی تا پایان دادن به حمایت‌های بی‌ضابطه از شرکت‌های زیان‌ده سخن گفت؛ رویکردی که بر اساس آن، هم دریافت‌کنندگان منابع عمومی و هم مدیران مسئول نحوه مصرف این منابع باید پاسخگو باشند.

تخصیص منابع عمومی در اقتصاد، تنها به میزان اعتبارات و حمایت‌های در نظر گرفته‌شده محدود نمی‌شود، بلکه چگونگی توزیع این منابع، شناسایی دقیق گروه‌های هدف و اطمینان از اثربخشی هزینه‌کرد آنها نیز اهمیت دارد. در این میان، حمایت‌هایی که بدون اطلاعات کافی به گروه‌های غیرهدف اختصاص می‌یابد یا منابعی که برای جبران زیان شرکت‌های دولتی ناکارآمد هزینه می‌شود، می‌تواند کارایی سیاست‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. از همین منظر، دولت در دو نشست جداگانه به بررسی سازوکارهای هدفمندسازی حمایت‌ها و اصلاح وضعیت شرکت‌های دولتی پرداخت؛ دو موضوعی که در نهایت به ضرورت انضباط در تخصیص منابع و پاسخگویی در برابر عملکرد اقتصادی بازمی‌گردد.

در نخستین نشست، رئیس‌جمهور در جلسه بررسی داده‌ها و سازوکارهای هدفمندسازی طرح‌های حمایتی دولت که با حضور سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی و جمعی از معاونان این وزارتخانه برگزار شد، هدفمندسازی حمایت‌های دولتی و اصابت دقیق منابع به گروه‌های هدف را از الزامات تحقق عدالت دانست.

در این جلسه، آخرین اقدامات و برنامه‌های سازمان امور مالیاتی کشور در زمینه شناسایی و ارزیابی وضعیت تمکن مالی دریافت‌کنندگان حمایت‌های دولتی، از جمله مشمولان طرح کالابرگ، صحت‌سنجی اطلاعات خوداظهاری خانوارها، مقابله با پولشویی و فرار مالیاتی از طریق رصد تراکنش‌های مشکوک، شناسایی شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار و مجموعه‌های مظنون به فعالیت‌های ناسالم اقتصادی و معاملات غیرواقعی بررسی شد. همچنین اقدامات مرتبط با سطح‌بندی و هدفمندسازی خدمات عمومی در دستور کار این نشست قرار داشت.

پیشگیری از فساد با تکمیل اطلاعات اقتصادی

رئیس‌جمهور در ادامه با اشاره به ضرورت مقابله ساختاری و پیشگیرانه با شرکت‌های صوری و معاملات غیرواقعی، احراز اهلیت افراد پیش از ثبت شرکت را ضروری دانست و تأکید کرد افرادی که از توانمندی تخصصی، فردی و مالی لازم برای تأسیس و اداره یک شرکت برخوردار نیستند، نباید امکان ورود به این عرصه را پیدا کنند؛ چراکه چنین شرایطی می‌تواند زمینه‌ساز فعالیت‌های ناسالم اقتصادی و معاملات غیرواقعی شود.

وی همچنین خواستار شناسایی ویژه نقاط حساس و گلوگاه‌های مستعد فساد، به‌ویژه در حوزه‌های پزشکی، حقوقی و گمرکی و در میان مدیران دولتی شد و بر لزوم رسیدگی سریع و جدی به تخلفات تأکید کرد. پزشکیان با اشاره به دریافت رشوه در پرونده‌های حقوقی، دریافت مبالغ هنگفت و زیرمیزی از بیماران و چشم‌پوشی از تخلفات در قبال دریافت پول، تصریح کرد که شناسایی و برخورد مؤثر و بازدارنده با این موارد می‌تواند از شکل‌گیری بخش قابل‌توجهی از فسادها و تخلفات جلوگیری کند.

رئیس‌جمهور با بیان اینکه بخش مهمی از نارضایتی‌های مردم ناشی از همین تخلفات و مفاسد است، بر عزم دولت برای برخورد جدی، قاطع و بدون اغماض با رویه‌های فسادزا تأکید کرد.

در همین راستا، پزشکیان برای تکمیل زیرساخت‌های اطلاعاتی کشور به شش دستگاهی که تاکنون اطلاعات موردنیاز سازمان امور مالیاتی را ارائه نکرده‌اند، حداکثر یک ماه مهلت داد تا نسبت به تکمیل و ارسال اطلاعات اقدام کنند. وی هشدار داد در صورت اجرا نشدن این تکلیف در مهلت تعیین‌شده، روند تعامل و همکاری این دستگاه‌ها با سایر دستگاه‌های اجرایی متوقف خواهد شد.

پزشکیان در بخش دیگری از این نشست، وزارت امور اقتصادی و دارایی را یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های اقتصاد کشور دانست و خطاب به وزیر اقتصاد گفت که حرکت اقتصاد به سمت توسعه و رفاه یا فساد و رانت، به رویکرد، نگاه و تلاش این مجموعه بستگی دارد. وی همچنین با اشاره به گزارش‌های ارائه‌شده درباره بازگرداندن منابع و مبالغ کلان ناشی از فرار مالیاتی و جلوگیری از معاملات ناسالم اقتصادی، خواستار اطلاع‌رسانی شفاف این اقدامات برای آگاهی مردم شد.

تقویت زیرساخت‌های فنی و تأمین منابع مالی موردنیاز برای خرید تجهیزات حفاظت و صیانت از اطلاعات و داده‌ها و رعایت الزامات پدافند غیرعامل نیز از دیگر موضوعات مورد تأکید رئیس‌جمهور بود. همچنین بازنگری در معافیت‌های مالیاتی نامتعارف و فاقد توجیه اقتصادی برقرارشده از سوی مجلس، الزام به شفاف‌سازی و خوداظهاری درباره ملک یا دارایی هنگام انجام معاملات و تعیین چارچوب مشخص برای دسترسی دستگاه‌های متقاضی به اطلاعات وزارت اقتصاد و دریافت هزینه در قبال ارائه این اطلاعات، در این جلسه مطرح شد.

۱۴۷ شرکت دولتی در فهرست زیان‌ده‌ها

در ادامه بررسی مسائل مرتبط با تخصیص و مصرف منابع عمومی، وضعیت عملکرد شرکت‌های دولتی نیز در نشست دیگری با حضور رئیس‌جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون امور بانکی، بیمه و شرکت‌های دولتی این وزارتخانه مورد بررسی قرار گرفت.

در این جلسه، گزارشی از وضعیت عملکرد شرکت‌های دولتی و میزان سوددهی و زیان‌دهی آنها ارائه شد. بر اساس آمار مربوط به سال ۱۴۰۳، از مجموع ۴۰۱ شرکت دولتی، ۲۵۴ شرکت سودده و ۱۴۷ شرکت زیان‌ده بوده‌اند.

در گزارش ارائه‌شده از سوی وزیر و معاون وزارت اقتصاد، زیان‌ده بودن برخی شرکت‌ها، کارایی و بهره‌وری پایین، بدهکاری بالا در تعدادی از شرکت‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری به‌عنوان مهم‌ترین مسائل و مشکلات این مجموعه‌ها مطرح شد.

پزشکیان در واکنش به این وضعیت، بر ضرورت پاسخگویی مدیران شرکت‌ها در قبال اختیارات و مسئولیت‌هایشان تأکید کرد و حمایت دولت از شرکت‌های زیان‌ده و اختصاص منابع به این شرکت‌ها را فاقد توجیه دانست. وی تصریح کرد وقتی شرکتی وظایف خود را به‌درستی انجام نداده و زیان‌ده شده است، دلیلی ندارد که علاوه بر اختصاص منابع عمومی برای حمایت از آن، به مدیر شرکت نیز پاداش پرداخت شود.

رئیس‌جمهور نحوه اداره و مدیریت شرکت‌ها را از عوامل مهم در عملکرد آنها دانست و بر ضرورت بررسی دقیق توانمندی‌ها و تخصص افراد در انتخاب و جابه‌جایی مدیران تأکید کرد. به گفته وی، ارزیابی مستمر عملکرد مدیران و توجه به شاخص‌هایی مانند میزان مسئولیت، عملکرد، بهره‌وری، تجربه و توانمندی افراد باید در واگذاری مسئولیت‌های مدیریتی مورد توجه جدی قرار گیرد.

تغییر الگوی مدیریت شرکت‌های دولتی

در این نشست، برای حل مشکلات ساختاری شرکت‌های دولتی، مجموعه‌ای از راهکارها از جمله ساماندهی نظام مالکیت و سیاست‌های تنظیم‌گری، اصلاح رویه‌ها و تکالیف دولت بر شرکت‌ها، تغییر شیوه مدیریت از الگوی اداری به الگوی شرکت‌داری و ارزیابی دقیق عملکرد و انتصابات مطرح شد.

ایجاد سازمان مالکیت و راهبری شرکت‌های دولتی با محوریت وزارت امور اقتصادی و دارایی و همچنین اصلاح ترکیب مجامع عمومی شرکت‌ها از دیگر پیشنهادهای ارائه‌شده بود. بر اساس این پیشنهاد، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر دستگاه مرتبط با هر شرکت دولتی در ترکیب مجامع عمومی حضور خواهند داشت.

به این ترتیب، دو نشست اقتصادی رئیس‌جمهور را می‌توان در چارچوب یک رویکرد مشترک برای اصلاح نحوه تخصیص و مدیریت منابع عمومی ارزیابی کرد؛ رویکردی که از یک سو بر شناسایی دقیق مشمولان حمایت‌های دولتی و مقابله با زمینه‌های فساد اقتصادی تأکید دارد و از سوی دیگر، پاسخگویی مدیران، ارتقای بهره‌وری و بازنگری در سازوکار اداره شرکت‌های دولتی را دنبال می‌کند.

پول نجات جهان از بحران

ادامه تیتریک در چنین شرایطی، منابع کمتری برای توسعه زیرساخت‌های مقاوم، اصلاح الگوی مصرف آب یا سرمایه‌گذاری در انرژی پاک باقی می‌ماند. به این ترتیب، بحران اقلیمی نه‌تنها خسارت اقتصادی ایجاد می‌کند، بلکه توان مالی کشور برای مقابله با بحران بعدی را نیز تضعیف می‌کند.

استیل در سخنان خود به اهداف مالی مصوب کاپ ۲۹ اشاره کرد: نقش پیشرو کشورهای توسعه‌یافته در بسیج سالانه ۳۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ و تلاش برای افزایش مجموع منابع مالی از همه منابع به ۱.۳ تریلیون دلار در سال برای کشورهای درحال‌توسعه تا همان سال. با این حال، او تأکید کرد که رسیدن به یک عدد مشخص لزوماً به معنای پاسخ‌گویی به نیاز واقعی کشورها نیست. مسئله فقط حجم پول نیست؛ شرایط دسترسی، هزینه دریافت، نوع منابع و تناسب آن با توان بازپرداخت کشورها نیز اهمیت دارد.

بانک‌ها؛ از تأمین‌کننده اعتبار تا ارزیاب ریسک اقلیمی

یکی از پیام‌های مهم روز پنجم برای صنعت بانکداری این بود که تغییرات اقلیمی دیگر یک موضوع حاشیه‌ای در گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیست؛ بلکه به‌طور مستقیم با کیفیت دارایی‌ها، اعتبار مشتریان و ثبات مالی ارتباط دارد.

در نشست «ریسک آب به‌عنوان ریسک مالی؛ ادغام ریسک فیزیکی آب در تصمیم‌های اعتباری»، موضوعی مطرح شد که برای اقتصادهای گرفتار تنش آبی اهمیت ویژه‌ای دارد: خشکسالی، سیلاب و کمبود آب چگونه می‌توانند فعالیت شرکت‌ها، ارزش دارایی‌ها و توان بازپرداخت تسهیلات را تحت تأثیر قرار دهند؟ برای نمونه، کاهش دسترسی یک واحد صنعتی به آب ممکن است تولید آن را مختل کند؛ افت تولید، درآمد بنگاه را کاهش دهد و در نهایت ریسک بازپرداخت وام را برای بانک افزایش دهد. بنابراین، ارزیابی ریسک اعتباری بدون توجه به ریسک‌های فیزیکی آب‌وهوا، تصویری ناقص از وضعیت واقعی مشتریان بانکی ارائه می‌دهد.

این نگاه، معنای تازه‌ای به مسئولیت بانک‌ها می‌دهد. بانک صرفاً نهادی نیست که پس از شکل‌گیری یک پروژه درباره اعتبار آن تصمیم بگیرد؛ بلکه با جهت‌دهی به جریان اعتبار می‌تواند تعیین کند کدام فعالیت اقتصادی توسعه پیدا کند، کدام زیرساخت در برابر بحران مقاوم شود و کدام سرمایه‌گذاری به تشدید آسیب‌پذیری محیط‌زیستی منجر شود.

در همین راستا، نشست دیگری با محور «تأمین مالی تاب‌آوری اقلیمی از مسیر اطلاعات بهتر» بر اهمیت داده‌های دقیق درباره مخاطرات، نیازهای سازگاری و منافع اقتصادی سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری تأکید داشت. بدون داده معتبر، ریسک اقلیمی به‌درستی قیمت‌گذاری نمی‌شود و پروژه‌های سازگاری، حتی اگر از نظر اجتماعی و اقتصادی ضروری باشند، ممکن است برای سرمایه‌گذاران جذابیت کافی پیدا نکنند.

بیمه‌ها؛ هزینه خسارت یا سرمایه‌گذاری در پیشگیری؟

در کنار بانک‌ها، صنعت بیمه نیز در روز مالیه و تجارت جایگاه مهمی داشت. نشست جهانی بیمه پایدار کاپ ۳۱ با انتشار گزارشی درباره پیوند آسیب‌پذیری، بیمه‌پذیری و تاب‌آوری، بر این نکته تأکید کرد که افزایش خسارت‌های ناشی از مخاطرات اقلیمی می‌تواند دارایی‌ها را از پوشش بیمه‌ای خارج کند و در نتیجه، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری روی آنها را نیز دشوارتر سازد.

این تحول یک پیام اقتصادی روشن دارد: پیشگیری از خسارت، فقط یک اولویت محیط‌زیستی نیست؛ بخشی از منطق اقتصادی حفظ ارزش دارایی‌هاست. اگر سرمایه‌گذاری در مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، زیرساخت‌های شهری، شبکه‌های آب و انرژی و سامانه‌های هشدار سریع، احتمال خسارت‌های آینده را کاهش دهد، می‌تواند هم برای بیمه‌گر و هم برای سرمایه‌گذار ارزش اقتصادی ایجاد کند.

تجارت سبز؛ فرصت تازه یا مانع جدید؟

وجه دیگر روز پنجم به رابطه تجارت، رقابت‌پذیری و گذار کم‌کربن اختصاص داشت. در نشست‌های برگزارشده با مشارکت سازمان تجارت جهانی، آنکتاد، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و نمایندگان بخش خصوصی، این پرسش مطرح بود که چگونه می‌توان سیاست‌های تجاری را با اهداف اقلیمی هماهنگ کرد، بدون آنکه کشورهای درحال‌توسعه و بنگاه‌های کوچک از زنجیره‌های ارزش جهانی کنار گذاشته شوند. گذار سبز به فناوری، سرمایه، مهارت و زیرساخت نیاز دارد؛ اما دسترسی کشورها به این امکانات برابر نیست. اگر استانداردهای زیست‌محیطی و الزامات کربنی تجارت جهانی بدون حمایت مالی و انتقال فناوری گسترش پیدا کنند، ممکن است به جای ایجاد فرصت برابر، شکاف رقابت‌پذیری میان اقتصادهای پیشرفته و کشورهای کم‌برخوردار را عمیق‌تر کنند. به همین دلیل، تأمین مالی تجارت سبز و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، بخشی از مسئله عدالت در گذار اقلیمی است.

مسئله توزیع قدرت و فرصت

از منظر من، مهم‌ترین پیام روز مالیه و تجارت کاپ را باید در یک جابه‌جایی مفهومی جست‌وجو کرد: بحران اقلیم به همان اندازه که بحران فناوری و سیاست‌گذاری است، بحران توزیع منابع مالی نیز هست. سرمایه در جهان وجود دارد، اما مسیر حرکت آن الزاماً به سمت مناطقی نیست که بیشترین نیاز را دارند. سرمایه معمولاً به جایی می‌رود که ریسک کمتر، بازده قابل پیش‌بینی‌تر و امکان بازپرداخت مطمئن‌تری داشته باشد؛ در حالی که بسیاری از جوامع آسیب‌پذیر دقیقاً در نقطه مقابل این شرایط قرار گرفته‌اند.

بنابراین، اتکای صرف به سرمایه خصوصی نمی‌تواند مسئله را حل کند. وام‌های تجاری، ضمانت‌نامه‌ها و سرمایه‌گذاری خصوصی ضروری‌اند، اما برای کشورهای کم‌درآمد، کشورهای جزیره‌ای و اقتصادهایی که با بدهی سنگین روبه‌رو هستند، منابع بلاعوض و تسهیلات بسیار ارزان نیز باید جایگاه جدی داشته باشند. نقش بانک‌های توسعه‌ای، دولت‌ها و صندوق‌های اقلیمی در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و فراهم‌کردن منابع اولیه، از همین منظر اهمیت پیدا می‌کند.

برای کشورهایی مانند ایران نیز این بحث صرفاً یک موضوع بین‌المللی نیست. بحران آب، فرسودگی زیرساخت‌ها، ناترازی انرژی و نیاز به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کم‌کربن، همگی به مسئله تأمین مالی گره خورده‌اند. هر برنامه‌ای برای اصلاح شبکه‌های آب و برق، کاهش تلفات، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر یا افزایش تاب‌آوری شهرها، بدون سازوکار پایدار تأمین سرمایه در حد یک برنامه روی کاغذ باقی می‌ماند. در عین حال، ارزیابی ریسک اقلیمی در نظام بانکی و توسعه ابزارهای مالی متناسب با پروژه‌های زیرساختی می‌تواند به بخشی از دستور کار اصلاحات اقتصادی تبدیل شود.

پرسش روز پنجم کاپ ۳۱ در نهایت این نبود که آیا جهان به پول بیشتری برای مقابله با تغییرات اقلیمی نیاز دارد یا نه؛ پاسخ این پرسش روشن است. مسئله دشوارتر آن است که چه کسی پول را تأمین می‌کند، چه کسی هزینه آن را می‌پردازد، چه کسی به آن دسترسی پیدا می‌کند و چه نهادی مسئول اطمینان از اثربخشی سرمایه‌گذاری‌هاست. نجات جهان فقط به تریلیون‌ها دلار سرمایه نیاز ندارد؛ به بازنگری در قواعدی نیاز دارد که تعیین می‌کنند این سرمایه کجا جریان پیدا کند و منافع آن نصیب چه کسانی شود.

ریشه‌های تاریخی تورم در گفت‌وگو با استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا بررسی شد

کلید مهار تورم در خزانه دولت



گفت‌وگو

تورم مزمن در اقتصاد ایران، فراتر از نوسانات ارزی و شوک‌های مقطعی، ریشه در ناترازی‌های ساختاری و شیوه تأمین مالی دولت دارد؛ مسئله‌ای که به باور برخی اقتصاددانان، بدون اصلاح آن نمی‌توان به ثبات پایدار قیمت‌ها دست یافت. در این میان، کسری بودجه، ناپایداری درآمدهای دولت، انتظارات تورمی و ضعف اعتبار سیاست‌گذار از جمله عواملی هستند که مهار تورم را با چالش مواجه کرده‌اند.

مهراب کیارسی، استاد اقتصاد دانشگاه اتاوا کانادا، با تأکید بر اینکه کنترل تورم فقط از مسیر سیاست پولی امکان‌پذیر نیست، اصلاح ساختار مالی دولت، انضباط بودجه‌ای و تقویت اعتبار سیاست‌گذار را از الزامات دستیابی به ثبات اقتصادی می‌داند. کیارسی با بیان اینکه مسئله تورم مزمن و پایدار در اقتصاد ایران، دهه‌ها است که به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین معیشت عمومی و ثبات کلان اقتصادی مطرح می‌شود؛ می‌گوید: اقتصاد ایران در تمام دهه های قبل از دهه ۹۰ خورشیدی به طور متوسط با تورم بالای ۲۰ درصد و از دهه ۹۰ تا قرن جدید خورشیدی با متوسط نرخ تورم بالای ۴۰ درصدی مواجه بوده است. مشروح گفت‌وگو با کیارسی برای واکاوی علل ریشه‌ای این معضل تاریخی و تبیین چارچوب‌های تئوریک مهار تورم را در ادامه می‌خوانید:

تورم دهه‌های اخیر در ایران غالباً از زوایای مختلفی چون شوک‌های ارزی یا فشارهای خارجی تحلیل می‌شود؛ اما جنابعالی همواره بر ماهیت ساختاری و تاریخی آن تأکید داشته‌اید. ریشه این مسئله کجاست و از چه زمانی با اقتصاد ما همراه بوده است؟

واقعیت این است که برای درک درست از پدیده تورم در ایران، باید نگاهمان را از سطح نوسانات کوتاه‌مدت فراتر ببریم. تورم در اقتصاد ایران یک مسئله سطحی و مقطعی نیست؛ بلکه مشکلی عمیقاً ساختاری، نهادی و تاریخی است. اینکه چه کار می توان کرد؟ واقعا پرسش دشواری است و شاید راحت‌تر این باشد که بگوییم نمی‌دانم! اگر به اسناد و حافظه تاریخی دو سده اخیر اقتصاد ایران نگاه کنیم، درمی‌یابیم که همواره چالش بنیادینی به نام «مسئله سیاست مالیه دولت» در کشور وجود داشته است. ناهمخوانی مداوم میان مخارج عمومی دولت و درآمدهای پایدار، ریشه تاریخی دارد و قبل از پیدایش درآمدهای نفتی نیز گریبان‌گیر مالیه عمومی ما بوده است. (کافی است به مکتوبات مورگان شوستر درباره مشکلات پولی و مالی ایران در سالهای پایانی قرن ۱۹ توجه شود) در دهه‌های گذشته، اتکا به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت، مانند یک پوشش و پرده ضخیم بر روی این ناترازی عمل می‌کرد. یعنی درآمدهای نفتی به دولت‌ها اجازه می‌داد کسری‌های ساختاری خود را به شکلی موقت پنهان سازند و از تن دادن به جراحی‌های ضروری اقتصادی طفره روند؛ اما به محض اینکه محدودیت‌های خارجی تشدید شد یا منابع ارزی کاهش یافت، آن واقعیت نهفته و شکاف عمیق مالی دوباره خود را در قالب جهش‌های قیمتی و تورم شدید آشکار کرد. بنابراین، اگر بخواهیم مسئله را دقیق تبیین کنیم، تورم تبلور برون‌رفت ناترازی تاریخی در ساختار مالیه و بودجه‌ریزی دولت‌هاست، نه صرفاً یک رویداد تصادفی و برآمده از تصمیمات کوتاه‌مدت.

در مباحث تئوریک علم اقتصاد، به ویژه نظریه مالی سطح قیمت‌ها (FTPL)، ارتباط میان سیاست مالی و مهار سطح عمومی قیمت‌ها چگونه تعریف می‌شود؟

در مکاتب مدرن اقتصاد کلان، این درک به صورت جدی تثبیت شده است که مهار پایدار سطح عمومی قیمت‌ها، بدون انضباط همه‌جانبه در سیاست‌های مالی دولت و بدون هماهنگی میان دخل و خرج عمومی، در بلندمدت ناممکن خواهد بود. متأسفانه یک نگرش سنتی وجود دارد که گمان می‌کند می‌توان مهار تورم را تماماً به عنوان یک وظیفه مکانیکی در بخش پول تعریف کرد، بدون آنکه اصلاحی در سمت مخارج و کسری بودجه دولت صورت بگیرد. حتی وقتی به کشورهای پیشرفته صنعتی نگاه می‌کنید، کشوری مثل کانادا که سیستم بانکی فوق‌العاده منسجم و بازار مالی تکامل‌یافته‌ای دارد و شهروندان به راحتی به حساب‌های بین‌المللی و ارزهای مختلف دسترسی دارند، ارکان اقتصادی کشور و وزیر مالیه به‌خوبی می‌دانند که لنگر اصلی ثبات سطح قیمت‌ها، سیاست مالی دولت و پایداری بودجه است. تاریخ اقتصادی غرب نیز گواه همین مدعاست؛ کشورهایی توانستند ثبات بلندمدت را تجربه کنند که توانستند سازوکار مالیه عمومی خود را مهارپذیر، منضبط و کارآمد سازند. برای نمونه، بحران‌ها و اعتراضاتی که امروزه در کشورهای اروپایی نظیر فرانسه شاهد آن هستیم، تماماً ریشه در کسری‌های مالی دولت، بدهی‌های عمومی و ناترازی‌های بودجه‌ای دارد. وقتی دولت فراتر از ظرفیت واقعی اقتصاد مخارج تعریف می‌کند و در سمت درآمد دچار کمبود است، فشار آن مستقیماً به اقتصاد تحمیل می‌شود و سطح عمومی قیمت‌ها را متأثر می‌سازد. از این رو، سیاست مالی دولت در حکم ستون فقرات مهار تورم به حساب می‌آید.

> **مهار پایدار تورم بدون انضباط مالی دولت و اصلاح ناترازی بودجه امکان‌پذیر نیست. تجربه کشورهای پیشرفته نیز نشان می‌دهد ثبات بلندمدت قیمت‌ها تنها با کنترل مخارج عمومی، تأمین درآمدهای پایدار و هماهنگی دخل‌وخرج دولت محقق می‌شود. برخلاف این تصور که مهار تورم صرفاً وظیفه سیاست‌گذار پولی است، سیاست مالی و پایداری بودجه نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات اقتصادی دارند. حتی در کشورهایی با نظام بانکی منسجم و بازارهای مالی توسعه‌یافته، مانند کانادا، سیاست مالی دولت و انضباط بودجه‌ای به‌عنوان لنگر اصلی ثبات قیمت‌ها شناخته می‌شود. تجربه اروپا، از جمله فرانسه، نیز نشان می‌دهد کسری بودجه، بدهی عمومی و ناترازی مالی می‌توانند فشارهای جدی بر اقتصاد وارد کنند. زمانی که مخارج دولت از ظرفیت واقعی اقتصاد فراتر می‌رود و درآمدها پاسخگوی هزینه‌ها نیست، این ناترازی به افزایش فشارهای اقتصادی و اثرگذاری بر سطح عمومی قیمت‌ها منجر می‌شود. از این رو، کنترل کسری بودجه و مدیریت کارآمد منابع و مصارف عمومی، از الزامات اساسی مهار پایدار تورم است.**

در شرایط کنونی، برخی معتقدند تا زمانی که تمام تحریم‌ها و موانع بین‌المللی برطرف نشود، اصلاحات اقتصادی بی‌فایده است؛ دیدگاه شما دراین باره چیست؟

این مسئله‌ای است که سال‌ها در فضای کارشناسی و در جمع‌های نخبگانی ایران مورد بحث بوده و زمانی که در دهه‌های گذشته و پیش از تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی، در محافل و کانال‌های تلگرامی اقتصاددانان ایرانی درباره لزوم اصلاحات ساختاری گفت‌وگو می‌کردیم، استدلال بسیاری از دوستان و تصمیم‌گیران این بود که باید منتظر رفع تحریم‌ها بمانیم و گشایش‌های خارجی را شرط مقدماتی هرگونه اقدام بدانیم. البته تردیدی نیست که تحریم‌ها فشاری مضاعف بر درآمدهای ارزی و تجارت خارجی وارد کرده‌اند و محدودیت منابع ناشی از آن کاملاً ملموس است؛ اما خطای راهبردی زمانی رخ می‌دهد که حل مسائل بنیادین اقتصاد داخلی را معطل تحولات خارجی نگه داریم. تجارب نشان داده است که حتی در دوره‌هایی که درآمدهای نفتی بالایی داشتیم یا از گشایش‌های بین‌المللی بهره می‌بردیم، به دلیل نبود اصلاحات ساختاری در بودجه‌ریزی، نظامات بانکی، رانت و فساد و... اقتصاد دوباره در معرض آسیب قرار گرفت و تورم نهادینه شده است.

بنابراین، اصلاح ساختار تخصیص منابع، تعریف درآمدهای پایدار مالیاتی و شفاف‌سازی مخارج عمومی، رسالت‌هایی مستقل و پیش‌نیاز هستند که حتی برای بهره‌مندی از فرصت‌های فرضی پساتحریم نیز اجتناب‌ناپذیرند.

در کنار متغیرهای کمی، یکی از واژه‌های پرتکرار در بیانات شما مفهوم «انتظارات» در اقتصاد کلان است. این سازوکار چگونه کار می‌کند و وزن آن در شرایط کنونی ایران چقدر است؟

در تئوری مدرن اقتصاد، انتظارات (Expectations) یک مؤلفه جانبی نیست؛ بلکه شکل‌دهنده اصلی رفتار فعالان اقتصادی است. تصمیم‌گیری کارگزاران اقتصادی، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، بر مبنای تصویری است که از آینده در ذهن دارند. شما می‌بینید که گاهی حتی انتشار یک خبر اولیه از توافق یا کاهش تنش‌های سیاسی، بدون آنکه تغییری واقعی در تولید یا میزان منابع کشور رخ داده باشد، فوراً بر نرخ ارز و به تبع آن بر قیمت دارایی‌ها اثر می‌گذارد. چرا؟ به این دلیل که باورها و چشم‌انداز آینده تغییر می‌کند. در جامعه ما، رابطه روانی و ادراک عمومی میان جامعه و فرآیندهای اقتصادی بسیار حساس است. اگر ذهنیت عمومی جامعه نسبت به فردا احساس نااطمینانی داشته باشد، این نااطمینانی به رفتارهای هجومی برای تبدیل ریال به دارایی‌های نقدشونده منجر می‌شود و شتاب گردش پول را بالا می‌برد. اقتصاد یک آزمایشگاه فیزیکی صرف نیست؛ بلکه رفتارهای بازیگران آن در یک بستر اجتماعی رخ می‌دهد. اگر بخواهیم متغیرهای کلان مانند تورم تثبیت شوند، قبل از هر چیز نیازمند سیاست‌هایی هستیم که انتظارات فعالان اقتصادی را آرام سازد و افق آینده را پیش‌بینی‌پذیر و شفاف کند. تغییر در سطح انتظارات جامعه، کارآمدترین کانال برای اثرگذاری بر متغیرهای واقعی اقتصاد است.

به نظر می‌رسد متغیر دیگری که ارتباط تنگاتنگی با انتظارات دارد، «شفافیت و پاسخگویی نهادی» است که دولت چهاردهم و بانک مرکزی تلاش می‌کنند در این زمینه تغییرات و اصلاحات ویژه‌ای اعمال کنند؛ شما این موضوع را با تجارب کشورهای پیشرفته مقایسه کردید. اصولا سازوکار نظارت مالی چگونه به این هدف کمک می‌کند؟

شفافیت، زیربنای ساخت نهادهای کارآمد است. در نظام‌های حکمرانی مدرن، حتی بالاترین سطوح اجرایی و دولت‌ها، تحت نظارت ساختارهای بازرسی مالی مستقل فعالیت می‌کنند. مثلاً در کشوری مانند کانادا، ساختار مالی به‌گونه‌ای است که هر شهروند و پژوهشگری می‌تواند به جزئی‌ترین داده‌ها درباره کل هزینه‌کرد دولت، محل تخصیص ردیف‌های بودجه، پایه‌های مالیاتی و میزان وصول آنها دسترسی پیدا کند. علاوه بر این، در مجالس قانون‌گذاری این کشورها، کمیته‌های نظارتی مستقلی وجود دارند که اغلب ریاست یا اکثریت آنها به احزاب منتقد و اقلیت واگذار می‌شود تا حسابرسی دقیق صورت گیرد که آیا اهداف ادعایی دولت با مخارج واقعی همخوانی دارد یا خیر. این یعنی مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی نهادینه. وقتی چنین شفافیتی برقرار باشد، هم امکان هدررفت منابع به حداقل می‌رسد و هم جامعه احساس می‌کند که نظارت بی‌طرفانه بر منابع ملی حاکم است. در شرایط کشورهای در حال توسعه، نبود داده‌های دقیق مالی و عدم شفافیت در تخصیص ردیف‌های بودجه‌ای و هزینه‌کردها، فضا را برای تخمین‌ناپذیری مالیه عمومی باز می‌گذارد که این خود بسترساز تداوم تورم است.

تولید دانش اقتصادی و پژوهش‌های دانشگاهی ما در این سال‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند برای درمان معضل دیرینه تورم یا سایر ناترازی های اقتصادی و بنیادین نسخه ارائه دهند؟

یکی از دغدغه‌های اساسی من، کیفیت سرمایه انسانی و سطح تولید فکری نخبگان اقتصادی است. تورم پایدار و بلندمدتِ چند دهه‌ای در ایران، یک پدیده نادر در سطح جهان امروز است. انتظار طبیعی این بود که مراکز پژوهشی و برجسته‌ترین دانشگاه‌های کشور، پژوهش‌های بنیادین، متقن و راهکارهای مکتوب فراوانی در این حوزه منتشر کرده باشند. اما متأسفانه اغلب گفت‌وگوها در سطح رسانه‌ها و تحلیل‌های کلی متوقف شده است. تئوری اقتصادی چارچوب تشخیصی شفافی را فراهم می‌کند؛ تئوری به ما می‌گوید که عارضه از کجاست و چه مبانی باید اصلاح شوند. ؛ اما تبدیل این تئوری به سیاست‌های عملیاتی نیازمند پژوهش‌های دقیق و تدوین جزئیات اجرایی است تا روشن شود اولویت‌بندی گام‌ها چیست و کدام بخش‌ها باید در تقدم اصلاحات قرار گیرند. بدون این نگاه آسیب‌شناسانه به ظرفیت‌های پژوهشی و بدون ارتقای عمق تحلیل‌ها، تکرار گفتمان‌های رسانه‌ای صرف نمی‌تواند ما را به یک برنامه عملیاتی منسجم برساند.

برای مهار پایدار تورم و بازگشت ثبات اقتصادی، از کجا باید آغاز کرد و چه مؤلفه‌ای مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند؟

اگر بخواهم مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم را برای آینده سیاست‌گذاری در یک کلمه خلاصه کنم، آن مفهوم «اعتبار» (Credibility) است. سیاست‌گذاری اقتصادی تنها زمانی کارآمد است که از منظر عموم جامعه، فعالان بازار و بخش خصوصی دارای باورپذیری و اعتبار باشد. اعتبار، متغیری است که در طول سال‌ها و به سختی به دست می‌آید، اما می‌تواند در یک چشم‌برهم‌زدن فرو بریزد. حتی بانک‌های مرکزی و نهادهای مالی در کشورهای توسعه‌یافته نیز پنجاه سال پیش اعتبار فعلی خود را نداشتند؛ آن‌ها از طریق ثبات قدم در پایبندی به قواعد، شفاف‌سازی پیام‌ها و همخوانی میان گفتار و عمل توانستند این اعتماد را خلق کنند. برای اینکه هر بسته سیاستی در ایران موفق شود، باید پیش از هر چیز تغییرات ساختاری و حقوقی عمیقی رخ دهد که نشان دهد تصمیم‌گیران واقعاً بر اهداف اصلاحی خود مصمم هستند. کانون های پژوهشی و دانشگاهی هم باید تلاش کنند برای این اصلاحات محتوا و نقشه راه تولید کرده و ایده پردازی کنند. حتی اگر سیاست‌گذار بهترین نیت‌ها را داشته باشد، تا زمانی که جامعه و کارگزاران اقتصادی باور نکنند که این تغییرات واقعی، عینی و غیرقابل بازگشت است، رفتار تورم‌زای خود را تغییر نخواهند داد. برای خلق این اعتبار، ما به یک «اجماع فراگیر میان نخبگان فکری و نخبگان سیاسی» نیاز داریم. اصلاح ساختار کسری بودجه، بازتعریف منابع و انضباط بخشی به مالیه عمومی، اقداماتی تک‌روانه نیستند که یک نهاد به تنهایی از عهده آن برآید؛ بلکه نیازمند یک اراده جمعی و همگرایی همه‌جانبه در کل حاکمیت و جامعه است. تنها زمانی که این توافق ملی شکل بگیرد و برنامه‌ها در منظر عمومی معتبر قلمداد شوند، تورم لنگر خواهد انداخت و اقتصاد ایران می‌تواند در مسیر پایداری گام بردارد.

خبر

فرصت ۱۲ میلیارد دلاری صادرات پتروشیمی

سعید نوری کرم کارشناس انرژی در رابطه با وضعیت ظرفیت فعلی صنعت پتروشیمی برای افزایش تولید و صادرات ، گفت: مقیاس موجود صنعت پتروشیمی نیز ظرفیت قابل‌توجهی برای تحقق این هدف فراهم کرده است. فروش محصولات این صنعت در سال ۱۴۰۴ بیش از ۲۲ میلیارد دلار بوده و حدود ۱۲ میلیارد دلار آن به صادرات اختصاص داشته است.

وی ادامه داد: بخشی از افزایش تولید و صادرات را می‌توان از طریق تأمین پایدار خوراک و انرژی، رفع گلوگاه‌های عملیاتی، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و افزایش بهره‌وری واحدهای موجود دنبال کرد. در این مسیر، توسعه ظرفیت جدید باید همراه با برنامه مشخص برای تأمین آب، برق، گاز و خوراک باشد تا افزایش ظرفیت اسمی به افزایش متناسب تولید واقعی منجر شود.

این کارشناس انرژی با اشاره به اینکه بازار کشورهای همسایه نیز فرصت مناسبی برای توسعه صادرات محصولات پالایشی و پتروشیمیایی فراهم می‌کند، خاطر نشان کرد: ترکیه در سال ۲۰۲۵ حدود ۶.۳ میلیون تن پلیمر به ارزش ۶.۹ میلیارد دلار وارد کرده است. این حجم واردات، مقیاس تقاضای یکی از بازارهای نزدیک ایران را نشان می‌دهد. همچنین، تجربه صادرات ریلی گازوئیل به افغانستان، امکان استفاده از این مسیر برای تأمین بخشی از نیاز بازار فرآورده‌های نفتی کشورهای همسایه را نشان می‌دهد.

به گفته وی، برای بهره‌گیری از این ظرفیت، باید تقاضای هر کشور به تفکیک محصول، کیفیت، استانداردهای فنی، قیمت و شرایط تحویل بررسی شود. تنظیم قراردادهای فروش بر اساس نیاز واقعی بازار و توان رقابتی تولیدکنندگان داخلی نیز می‌تواند به توسعه پایدار صادرات کمک کند.

ضرورت تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام پالایشی پیش از احداث پالایشگاه‌های جدید

این کارشناس انرژی تاکید کرد: در بخش پالایش، باید ارتقای پالایشگاه‌های موجود و تکمیل طرح‌های نزدیک به بهره‌برداری در اولویت کوتاه‌مدت قرار گیرد و احداث پالایشگاه‌های جدید در قالب برنامه‌ای میان‌مدت و بلندمدت دنبال شود.

وی افزود: این سرمایه‌گذاری‌ها باید با هدف افزایش تولید فرآورده‌های باکیفیت، کاهش سهم محصولات سنگین کم‌ارزش و بهبود ترکیب محصولات متناسب با تقاضای داخلی و خارجی انجام شوند. نوری کرم ادامه داد: انتخاب طرح‌های جدید نیز باید بر اساس ارزش اقتصادی خوراک، ترکیب محصولات، پیچیدگی فرایندی، هزینه سرمایه‌گذاری، دسترسی به فناوری و مجوزهای فنی و بازار فروش صورت گیرد. این کارشناس انرژی خاطرنشان کرد: البته باید در نظر داشت، مسیر صادرات، استانداردهای مورد نیاز و سازوکار دریافت درآمد از ابتدای طراحی پروژه مشخص شود تا ظرفیت جدید متناسب با بازار قابل‌دسترسی توسعه یابد.

تأمین پایدار خوراک، پیش‌شرط توسعه و افزایش تولید پتروشیمی

وی گفت: توسعه پالایش باید با توسعه پتروشیمی هماهنگ باشد. بخشی از خروجی پالایشگاه‌ها، مانند نفتا، می‌تواند خوراک واحدهای پتروشیمی متناسب با خوراک مایع را تأمین کند. طراحی هماهنگ این مجموعه‌ها امکان تولید محصولات شیمیایی و پلیمری متنوع‌تر و تکمیل زنجیره تا محصولات نهایی را فراهم می‌کند.

نوری‌کرم افزود: در انتخاب حلقه‌های جدید نیز باید محصولاتی در اولویت قرار گیرند که تقاضای قابل شناسایی، ارزش اقتصادی مناسب و هزینه تولید و تحویل رقابتی داشته باشند. به این ترتیب، می‌توان سهم بیشتری از ارزش منابع نفتی را در داخل کشور ایجاد کرد و از ظرفیت‌های موجود تولید و حمل‌ونقل با بازده اقتصادی بالاتری استفاده کرد. این کارشناس ادامه داد: مقیاس موجود صنعت پتروشیمی نیز ظرفیت قابل‌توجهی برای تحقق این هدف فراهم کرده است. فروش محصولات این صنعت در سال ۱۴۰۴ بیش از ۲۲ میلیارد دلار بوده و حدود ۱۲ میلیارد دلار آن به صادرات اختصاص داشته است.

وی تصریح کرد: بنابراین، بخشی از افزایش تولید و صادرات را می‌توان از طریق تأمین پایدار خوراک و انرژی، رفع گلوگاه‌های عملیاتی، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و افزایش بهره‌وری واحدهای موجود دنبال کرد. نوری کرم خاطرنشان کرد: در این مسیر، توسعه ظرفیت جدید باید همراه با برنامه مشخص برای تأمین آب، برق، گاز و خوراک باشد تا افزایش ظرفیت اسمی به افزایش متناسب تولید واقعی منجر شود.

تأکید برنامه هفتم بر افزایش ظرفیت پالایش و کاهش تولید فرآورده‌های سنگین

وی گفت: قوانین موجود نیز چارچوب مناسبی برای پشتیبانی از این اقدامات فراهم کرده‌اند. بند «ب» ماده ۴۴ قانون برنامه هفتم، با شرایط و سازوکارهای مقرر، افزایش ۳۰۰ هزار بشکه در روز ظرفیت داخلی پالایش نفت را در چارچوب توسعه پتروپالایش مجاز دانسته است.

متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

سرمایه‌گذاری ۱۵ میلیارد دلاری چین در صنعت بیمه دریایی

چین

چین در تلاش است وابستگی خود را به کشورهای غربی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و صنعتی کاهش دهد و در بخش‌های راهبردی، از فناوری و تولید تراشه گرفته تا انرژی، زیرساخت‌های مالی و زنجیره تأمین، به ظرفیت‌های مستقل دست پیدا کند. پکن حالا به سراغ یکی دیگر از حلقه‌های مهم اقتصاد جهانی، یعنی بیمه دریایی، رفته است؛ صنعتی که اگرچه کمتر از کشتی‌سازی و تجارت دریایی در کانون توجه قرار دارد، اما بدون آن بخش بزرگی از حمل‌ونقل بین‌المللی با دشواری روبه‌رو می‌شود.

روزنامه وال‌استریت ژورنال روز گذشته گزارشی منتشر کرد با این موضوع که چین در حال بررسی ایجاد یک مرکز بزرگ بیمه و بیمه اتکایی دریایی با سرمایه‌ای در حدود ۱۵ میلیارد دلار است؛ طرحی که در صورت اجرا می‌تواند وابستگی شرکت‌های کشتیرانی و تجاری این کشور به بیمه‌گران غربی را کاهش دهد و به پکن امکان دهد در این بازار نیز به رقیبی برای مراکز سنتی بیمه دریایی، به‌ویژه بازار لندن، تبدیل شود.

این برنامه بخشی از تلاش گسترده‌تر چین برای افزایش استقلال اقتصادی و مالی است؛ تلاشی که در سال‌های اخیر و با تشدید رقابت این کشور با آمریکا و متحدان غربی آن، اهمیت بیشتری پیدا کرده است.

بیمه؛ حلقه‌ای کمتر دیده‌شده در تجارت جهانی

بیمه دریایی یکی از بخش‌های اساسی تجارت بین‌المللی است. کشتی‌هایی که روزانه میلیون‌ها تن کالا، مواد اولیه، سوخت و محصولات صنعتی را میان کشورها جابه‌جا می‌کنند، برای فعالیت خود به پوشش‌های بیمه‌ای مختلف نیاز دارند. این پوشش‌ها فقط خسارت ناشی از غرق شدن یا آسیب دیدن کشتی را شامل نمی‌شوند؛ محموله‌ها، مسئولیت‌های حقوقی مالکان کشتی، تصادف‌ها، آلودگی‌های زیست‌محیطی، حملات سایبری و حتی خطرات ناشی از جنگ و درگیری‌های نظامی نیز در این صنعت قرار می‌گیرند.

اهمیت این بازار زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم شرکت‌های کشتیرانی بدون بیمه معتبر ممکن است برای ورود به برخی بنادر، دریافت خدمات بندری یا تأمین مالی با محدودیت روبه‌رو شوند. بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز هنگام تأمینِ اعتبار برای خرید کالا یا حمل‌ونقل دریایی، معمولاً وجود پوشش بیمه‌ای معتبر را یکی از شروط خود قرار می‌دهند.

بازار جهانی بیمه دریایی سالانه ده‌ها میلیارد دلار ارزش دارد و بخش مهمی از آن در اختیار شرکت‌ها و مؤسسات بیمه‌ای مستقر در مراکز مالی بین‌المللی، به‌ویژه لندن، قرار گرفته است. بازار لویدز لندن یکی از شناخته‌شده‌ترین بازیگران این حوزه است؛ بازاری با سابقه چندصدساله که شبکه گسترده‌ای از بیمه‌گران، کارگزاران و سرمایه‌گذاران را در خود جای داده است.

برای چین که یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های تجارت کالا، کشتیرانی و کشتی‌سازی جهان است، وابستگی به چنین شبکه‌ای می‌تواند یک نقطه آسیب‌پذیر راهبردی باشد. به‌ویژه در شرایطی که اختلافات ژئوپلیتیکی و تحریم‌های اقتصادی نشان داده‌اند دسترسی به خدمات مالی و بیمه‌ای ممکن است به ابزاری برای اعمال فشار بر کشورها تبدیل شود.

هدف، ارتقای جایگاه است نه اضافه کردن یک شرکت جدید

البته چین پیش از این نیز در صنعت بیمه دریایی حضور داشته و شرکت‌هایی مانند «پی‌آی‌سی‌سی» (PICC) و «چاینا ری» (China Re) در حوزه بیمه و بیمه اتکایی فعالیت می‌کنند. بنابراین، طرح جدید به معنای ورود نخستین‌بار این کشور به بازار بیمه کشتی‌ها نیست.

تفاوت اصلی در مقیاس و هدف‌گذاری این برنامه است. چین می‌خواهد از ظرفیت شرکت‌های موجود فراتر برود و یک مرکز بزرگ و متمرکز ایجاد کند که توان مالی بیشتری برای پذیرش و توزیع ریسک‌های سنگین کشتیرانی بین‌المللی داشته باشد. این مرکز قرار است علاوه بر پاسخ‌گویی به نیاز ناوگان و تجارت دریایی چین، به شرکت‌های کشتیرانی خارجی نیز خدمات ارائه کند و در بازار جهانی با مراکز باسابقه بیمه‌ای رقابت کند.

به بیان دیگر، پکن به دنبال اضافه کردن یک شرکت بیمه دیگر به مجموعه شرکت‌های داخلی خود نیست؛ بلکه می‌خواهد جایگاهش را در ساختار جهانی بیمه دریایی ارتقا دهد.



طرح ۱۵ میلیارد دلاری چگونه اجرا می‌شود؟

بر اساس گزارش وال‌استریت ژورنال، مقام‌های چینی در حال رایزنی با شرکت‌های کشتیرانی، بانک‌ها و مؤسسات بیمه داخلی هستند تا منابع مالی لازم برای ایجاد این مرکز را تأمین کنند. هدف، گردآوری حدود ۱۵ میلیارد دلار برای ایجاد یک مجموعه فعال در زمینه بیمه و بیمه اتکایی دریایی است؛ مجموعه‌ای که قرار است در افق سال ۲۰۲۹ به مرحله راه‌اندازی برسد.

بیمه اتکایی در واقع نوعی بیمه برای شرکت‌های بیمه است. وقتی یک شرکت بیمه مسئولیت پوشش خسارت یک کشتی یا محموله را می‌پذیرد، می‌تواند بخشی از این ریسک را به شرکت بیمه دیگری منتقل کند. این سازوکار به‌ویژه در حوادث بزرگ دریایی اهمیت دارد؛ زیرا خسارت ناشی از غرق شدن یک نفتکش بزرگ، برخورد کشتی‌ها یا وقوع جنگ و درگیری ممکن است آن‌قدر سنگین باشد که از توان مالی یک شرکت بیمه فراتر برود. در چنین شرایطی، بیمه اتکایی به شرکت‌های بیمه اجازه می‌دهد ریسک را میان چند مؤسسه تقسیم کنند و توانایی خود را برای پرداخت خسارت‌های بزرگ افزایش دهند. در طرح مورد بررسی چین، شرکت دولتی چاینا ری می‌تواند نقش محوری داشته باشد. مجموعه‌های بیمه‌ای دیگری مانند پی‌آی‌سی‌سی نیز از جمله بازیگرانی هستند که احتمال مشارکت آن‌ها در این برنامه مطرح شده است. با این حال، ساختار نهایی مرکز و سهم هر یک از شرکت‌ها هنوز مشخص نیست. متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

درآمد بانک‌های آمریکا از جریمه اضافه‌برداشت رکورد زد

آمریکا

بر اساس محاسبات خبرگزاری رویترز که مؤسسه اطلاعات مالی KBRA نیز آن را تأیید کرده است، درآمد بانک‌های آمریکا از جریمه اضافه‌برداشت حساب مشتریان در سه‌ماهه سوم سال جاری به حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسید. این رقم در حالی ثبت شده که درآمد بانک‌ها از این محل پس از رسیدن به پایین‌ترین سطح تاریخی خود در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵، بار دیگر روند افزایشی پیدا کرده است.

جریمه اضافه‌برداشت زمانی از مشتری دریافت می‌شود که موجودی حساب برای پوشش یک تراکنش کافی نباشد، اما بانک پرداخت را انجام دهد و کسری موجودی را به‌صورت موقت پوشش دهد. این هزینه یکی از منابع درآمد کارمزدی بانک‌هاست و در عین حال، به دلیل ارتباط مستقیم با وضعیت نقدینگی مشتریان، همواره از موضوعات مورد توجه نهادهای ناظر بر نظام بانکی آمریکا بوده است.

سهم بانک‌های بزرگ از درآمد جریمه‌ها

بررسی عملکرد بانک‌های بزرگ نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از درآمد حاصل از جریمه اضافه‌برداشت در اختیار چند بانک بزرگ آمریکایی قرار دارد. جی‌پی مورگان چیس و ولز فارگو در مجموع ۵۹۰ میلیون دلار از این محل در سه‌ماهه سوم درآمد کسب کردند؛ رقمی که تقریباً با مجموع درآمد سایر بانک‌های حاضر در میان ۲۰ بانک بزرگ آمریکا برابری می‌کند.

درآمد جی‌پی مورگان از جریمه اضافه‌برداشت در مقایسه با سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵، ۳۲ درصد افزایش یافته است. این شاخص برای ولز فارگو نیز در همین بازه رشد ۱۷ درصدی داشته است.

در میان بانک‌های منطقه‌ای، فرست سیتیزنز بیشترین رشد را تجربه کرده و درآمد آن از این محل نسبت به سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵ حدود ۲۰۰ درصد افزایش یافته است.

بانک آو آمریکا نیز در سه‌ماهه سوم ۵۵ میلیون دلار از جریمه اضافه‌برداشت درآمد کسب کرد؛ رقمی که نسبت به سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵، ۴۹ درصد بیشتر است. این بانک در سال ۲۰۲۲ مبلغ جریمه خود را از ۳۵ دلار به ۱۰ دلار کاهش داده بود.

کدام بانک‌ها جریمه اضافه‌برداشت دریافت می‌کنند؟

با وجود تداوم دریافت این جریمه در شماری از بانک‌های بزرگ، برخی مؤسسات مالی آمریکایی طی سال‌های اخیر سیاست خود را تغییر داده و دریافت هزینه اضافه‌برداشت را حذف کرده‌اند. بر اساس اطلاعات منتشرشده درباره سیاست‌های بانکی، بانک‌هایی مانند الای بانک، امریکن اکسپرس نشنال بانک، کپیتال وان و سیتی‌بانک جریمه اضافه‌برداشت را حذف کرده‌اند. در این بانک‌ها، در صورت ناکافی بودن موجودی حساب، تراکنش ممکن است رد شود یا بانک بدون دریافت جریمه اضافه‌برداشت آن را پردازش کند؛ بنابراین حذف جریمه لزوماً به معنای تضمین پرداخت همه تراکنش‌ها در شرایط کسری موجودی نیست.

در مقابل، بانک‌هایی مانند جی‌پی مورگان چیس، ولز فارگو، بانک آو آمریکا، یواس‌بانک، پی‌ان‌سی و فرست سیتیزنز همچنان تحت شرایط مشخصی از مشتریان جریمه اضافه‌برداشت دریافت می‌کنند. میزان این جریمه‌ها نیز در بانک‌های مختلف متفاوت است. برای نمونه، چیس برای برخی موارد اضافه‌برداشت ۳۴ دلار و ولز فارگو ۳۵ دلار دریافت می‌کند. یواس‌بانک و پی‌ان‌سی نیز در شرایطی جریمه‌ای در حدود ۳۶ دلار دارند. بانک آو آمریکا پس از کاهش مبلغ این هزینه در سال ۲۰۲۲، برای موارد مشمول جریمه ۱۰ دلار دریافت می‌کند. البته این تعرفه‌ها به شرایط حساب، نوع تراکنش و ضوابط معافیت هر بانک وابسته است. برای مثال، چیس و یواس‌بانک در صورت محدود بودن کسری موجودی یا جبران آن در مهلت تعیین‌شده، در برخی شرایط جریمه‌ای دریافت نمی‌کنند. متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

پشت پرده ۵۳۰ میلیارد دلار تعهدات «انویدیا»

نوآوری

انویدیا به تازگی اعلام کرده که «جنسن هوانگ» از مدیرعاملی و هیات‌مدیره کناره گرفته و «کولت کرس»، مدیر مالی شرکت، موقتا جای او را گرفته است. پرسش انتقادی اکنون این است: شرکتی که برای گسترش بازار تراشه‌هایش در زنجیره تامین، مشتریان و مراکز داده سرمایه‌گذاری کرده، بدون معمار این راهبرد چگونه بر ریسک‌های آن نظارت خواهد کرد؟ و این در حالی است که اطلاعیه انویدیا علت استعفا را بیان نکرده است.

بحرانی فراتر از مدیرعامل

به گزارش آسوشیتدپرس، استعفای «هوانگ» پس از انتشار گزارش‌هایی درباره روابط شخصی او و نگرانی‌های مرتبط با امنیت اطلاعات رخ داد. این خبرگزاری همچنین گزارش داده که یکی از روابط مطرح‌شده با یکی از کارکنان ارشد انویدیا بوده است. با این حال، گزارش‌ها و اتهام‌های منتشرشده را نباید با نتیجه یک تحقیق مستقل یکی دانست.

هیئت‌مدیره انویدیا هشتم نوامبر اعلام کرد درباره احتمال هدف قرار گرفتن «هوانگ» از سوی یک تلاش اطلاعاتی خارجی تحقیق می‌کند، اما تاکید داشت در آن زمان دلیلی برای باور به افشای اسرار شرکت یا آسیب به امنیت ملی نداشته است. دو روز بعد نیز اعضای مستقل هیئت‌مدیره از سپردن بررسی به «جون کیم» و یک موسسه حقوقی بیرونی خبر دادند. پرسش باقی‌مانده این است که نتیجه این بررسی چه زمانی و با چه میزان شفافیت منتشر می‌شود. همزمان، انویدیا «هاروی جونز» را به‌عنوان نخستین رئیس هیئت‌مدیره خود منصوب کرده و جست‌وجو برای مدیرعامل دائمی را آغاز کرده است. این دو تصمیم می‌توانند به تفکیک نظارت از مدیریت کمک کنند، اما یک سوال را برجسته‌تر می‌کنند: چرا شرکتی با چنین نقش بزرگی در صنعت هوش مصنوعی، اکنون ناچار است جانشین دائمی بنیان‌گذار خود را در میانه بحران پیدا کند؟

پشت رقم ۵۳۰ میلیارد دلار

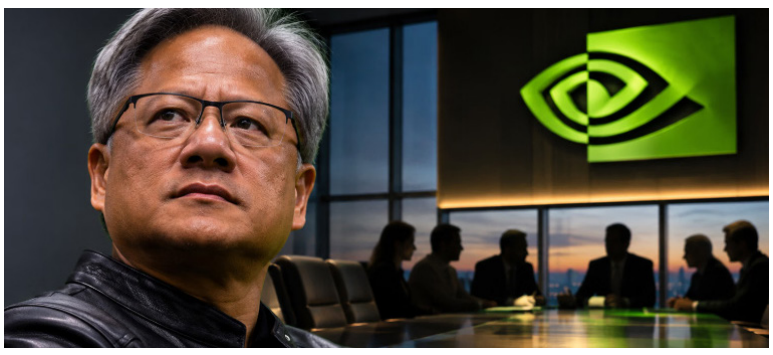
در همین راستا یاهو فایننس از شبکه‌ای حدود ۵۳۰ میلیارد دلاری از تعهدات و ضمانت‌های انویدیا پرده برداشته‌است. بررسی گزارش فصلی شرکت نشان می‌دهد این رقم از جمع ۳۶۶ میلیارد دلار تعهدات اصلی، ۵۶ میلیارد دلار تعهدات اضافی و سقف ۱۰۸/۵ میلیارد دلاری ضمانت‌ها به دست می‌آید. بنابراین ۵۳۰ میلیارد دلار نه بدهی فعلی انویدیاست و نه پولی که باید یک‌باره بپردازد؛ اما نشانگر بزرگی و تنوع این تعهدات است.

بر این اساس بخش عمده تعهدات اصلی، یعنی ۲۷۹ میلیارد دلار، به تامین کالا و ظرفیت تولید مربوط است. در کنار آن، گزارش انویدیا ۲۹ میلیارد دلار قرارداد خدمات ابری و ۳۶ میلیارد دلار تعهد اضافی در توافق با ارائه‌دهندگان ابر هوش مصنوعی را ثبت کرده است. این ارقام ماهیت یکسانی ندارند؛ پرسش این است که اگر سرعت ساخت مراکز داده یا خرید مشتریان کاهش یابد، چه مقدار از ظرفیت رزروشده همچنان قابل استفاده یا قابل تغییر خواهد بود.

باید گفت حساس‌ترین ضمانت به پروژه‌ای در اوهایو مربوط است: انویدیا برای تعهدات اجاره مرتبط با اوپن‌ای‌آی، تا سقف ۱۰۵ میلیارد دلار پشتیبانی اعتباری پذیرفته است. طبق گزارش این شرکت، ضمانت‌ها با بهره‌برداری مرحله‌ای مراکز داده فعال می‌شوند و پرداخت آنها به شرایطی مانند نکول مستاجر بستگی دارد. پس این رقم زیان تحقق‌یافته نیست؛ با این همه، اگر مشتری در تامین مالی پروژه دچار مشکل شود، همان رویداد می‌تواند هم بر فروش آینده تراشه و هم بر ریسک ضمانت فشار بگذارد.

فروش بالا، پول کجاست؟

انویدیا در گزارش مالی خود توضیح داده است که در برخی توافق‌ها، شرکای ابری تجهیزات آن را می‌خرند و شرکت در مقابل، برای استفاده از ظرفیت ابری آنان تعهد می‌دهد. انویدیا می‌گوید این سازوکار دسترسی مشتریان بیشتری را به زیرساخت هوش مصنوعی ممکن می‌کند. منتقدان اما حق دارند بپرسند چه سهمی از رشد این شبکه، در نهایت از درآمد مستقل مشتریان نهایی تامین می‌شود؛ وجود رابطه مالی دوطرفه به‌تنهایی نشانه فروش غیرواقعی نیست.



در این میان نشانه‌ای که ارزش پیگیری دارد، مطالبات شرکت است: این رقم از ۳۸/۵ میلیارد دلار در ژانویه به ۶۳/۱ میلیارد دلار در پایان ژوئیه ۲۰۲۶ رسید. پنج مشتری مستقیم نیز در مجموع ۷۰ درصد مطالبات آن تاریخ را تشکیل می‌دادند. انویدیا تصریح کرده برای برخی مشتریان معتبر، مهلت پرداختی از ۹۰ روز تا یک سال در نظر می‌گیرد؛ پس رشد فروش باید در کنار تمرکز مشتریان و سرعت وصول پول سنجیده شود. چنین تصویری از ترازنامه فقط هشدار نیست. جریان نقد عملیاتی انویدیا در شش ماه نخست سال مالی ۲۰۲۷ حدود ۷۴/۴ میلیارد دلار بوده است. شرکت در پایان ژوئیه نیز ۵۶/۶ میلیارد دلار وجه نقد و اوراق بدهی قابل معامله، به‌علاوه ۴۲/۸ میلیارد دلار سهام قابل معامله داشته است.

آزمون پیش روی انویدیا

اطلاعات دیگری در گزارش فصلی ابعاد راهبرد انویدیا را نشان می‌دهد: شرکت از تفاهم‌نامه‌هایی با تامین‌کنندگان سرمایه برای بسیج احتمالی بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه اشخاص ثالث در طول زمان خبر داده است. انویدیا در این گزارش هشدار می‌دهد که این توافق‌های اولیه ممکن است به قرارداد قطعی نرسند. بنابراین نباید این رقم را سرمایه جذب‌شده یا تعهدی تازه بر ۵۳۰ میلیارد دلار افزود؛ اهمیت آن در وابستگی برنامه توسعه به تامین مالی گسترده است.

خود شرکت همچنین هشدار داده که کمبود زمین، برق، ساختمان مناسب یا سرمایه می‌تواند استقرار محصولات نزد مشتریان را عقب بیندازد و بر درآمد آینده اثر بگذارد. از این زاویه، مسئله فقط توان تولید تراشه نیست؛ انویدیا برای تحقق پیش‌بینی‌هایش به ساخت و تامین مالی زیرساختی نیاز دارد که بخش‌هایی از آن در کنترل مستقیم شرکت نیست.

قرار است نتایج مالی بعدی انویدیا ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶ منتشر شود. بازار می‌تواند در آن زمان روند مطالبات، جریان نقد، وضعیت تعهدات و موضع «کرس» درباره ادامه این راهبرد را دقیق‌تر بسنجد. اما گزارش سود، جای پاسخ هیئت‌مدیره درباره نتیجه تحقیق مستقل و سازوکار نظارت بر تصمیم‌های پرهزینه آینده را نمی‌گیرد.

انویدیا به عنوان شرکتی با فروش و جریان نقد قدرتمند، همزمان شبکه‌ای بزرگ از تعهدات تولید، قراردادهای ابری و ضمانت‌های مشروط ساخته و مدیر محوری خود را در میانه پرسش‌های حکمرانی از دست داده است. اکنون آزمون واقعی آن نه صرفا اعلام سود بیشتر، بلکه نشان دادن کیفیت وصول درآمدها، تاب‌آوری قراردادها و استقلال نظارت بر آنهاست.

خبر

کنایه همتی به تهدید بسنت

رئیس‌کل بانک مرکزی در واکنش به تهدیدهای تازه وزیر خزانه‌داری آمریکا، با کنایه به اسکات بسنت تأکید کرد که هنوز برای صحبت درباره زمستان زود است .

رئیس‌کل بانک مرکزی از تأمین بیش از ۳۰ میلیارد دلار ارز برای واردات خبر داد و گفت: اولویت ما تامین ارز دارو و کالاهای اساسی است و هیچ مشکلی وجود ندارد.



عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی در واکنش به اظهارات اخیر اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، درباره تشدید تحریم‌ها علیه ایران، گفت: «ایشان هنوز باید همان جوجه‌ای را که گفتم آخر پاییز بشمارد؛ اول آن را بشمارد، بعد برود راجع به زمستان صحبت کند. زود است.»

وی همچنین با اشاره به وضعیت ارزی کشور و اقدامات انجام‌شده برای تأمین نیازهای وارداتی اظهار کرد: «الحمدلله شرایط خوب است. ما در همین مدت نزدیک به ۳۰.۳ میلیارد دلار تأمین ارز کردیم.»

رئیس‌کل بانک مرکزی با تأکید بر تداوم تأمین ارز مورد نیاز کالاهای اساسی و دارو افزود: «همین‌طور که قول دادیم؛ در تامین دارو و کالاهای اساسی هیچ مشکلی وجود ندارد.»

همتی در پایان خاطرنشان کرد: «ان‌شاءالله مشکلی نیست و تمام سعی‌مان این است که مشکلی پیش نیاید.»

رویای طلایی سنگاپور در رقابت با غول‌های بازار جهانی

سنگاپور برای تصاحب سهم بیشتری از بازار جهانی طلا تلاش می‌کند، اما رقابت با مراکز باسابقه‌ای مانند لندن، سوئیس و هنگ‌کنگ، این کشور را با موانع ساختاری، هزینه‌های بالا و چالش جلب اعتماد فعالان بازار روبه‌رو کرده است.

سنگاپور با توسعه زیرساخت‌های نگهداری شمش و ارائه مشوق‌های مالیاتی و خدمات خزانه‌داری، در پی تبدیل شدن به یکی از قطب‌های مهم تجارت و نگهداری طلای جهان است؛ با این حال، ورود دیرهنگام به این بازار و نبود نقدینگی عمیق، مسیر دستیابی به این هدف را دشوار کرده است.

بازارهای سنتی اروپا سال‌هاست از زیرساخت‌های معاملاتی، شبکه‌های تجاری و اعتماد بین‌المللی برخوردارند. در آسیا نیز هنگ‌کنگ به‌دلیل ارتباط گسترده با بازار چین، یکی از رقبای جدی سنگاپور به شمار می‌رود. دسترسی هنگ‌کنگ به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف طلا، مزیتی مهم در جذب جریان‌های مالی و شمش‌های منطقه‌ای ایجاد کرده است.

در کنار رقابت منطقه‌ای، هزینه بالای زمین، نگهداری تأسیسات امن و الزامات سخت‌گیرانه بانکی و ضدپول‌شویی از دیگر موانع توسعه بازار طلای سنگاپور محسوب می‌شوند. این عوامل می‌توانند هزینه فعالیت مؤسسات مالی را افزایش دهند و انگیزه انتقال مراکز عملیاتی به این کشور را کاهش دهند.



از سوی دیگر، توسعه‌نیافتگی برخی زیرساخت‌های تسویه و پیوند میان معاملات فیزیکی و مالی، چالش دیگری برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و بانک‌های مرکزی خارجی است. وابستگی به شاخص‌های قیمت‌گذاری لندن و نیویورک نیز استقلال بازار داخلی سنگاپور را محدود می‌کند.

در مجموع، سنگاپور برای تبدیل شدن به قطبی اثرگذار در بازار جهانی طلا، علاوه بر توسعه ظرفیت انبارداری، به تقویت نقدینگی، زیرساخت‌های تسویه و اعتماد بین‌المللی نیاز دارد؛ عواملی که ایجاد آن‌ها زمان‌بر خواهد بود.